

"نفرین زمین"

نویسنده:

علی آزادواری

انتشارات آزادوار

۱۳۹۴

تلفن: ۰۹۱۲۲۱۱۵۲۴۷، ۴۴۹۵۸۸۶۱-۵

aazadvari@yahoo.com

کلیه حقوق این اثر برای ناشر و نویسنده محفوظ می‌باشد.

سرشناسه	: آزادواری، علی، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: نفرین زمین / [نویسنده] علی آزادواری.
مشخصات نشر	: تهران: آزادوار، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۴ ص؛ س م ۱۴/۵*۲۱/۵
شابک	: ۹۷۰۰۰ ریال : ۸-۵-۹۱۵۶۶-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ن ۳۳۴۷/ز ۹۲۹ PIRV
رده‌بندی دیوپی	: ۳/۶۲ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۴۶۶۳۳۷

انتشارات : نشر آزادوار

"نفرین زمین"

نویسنده: علی آزادواری

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴ شمارگان: ۲۰۰۰ قیمت: ۹۷۰۰۰ ریال

طراح جلد: سارینا نامی شابک: ۸-۵-۹۱۵۶۶-۶۰۰-۹۷۸

کلیه حقوق این اثر برای ناشر و نویسنده محفوظ می‌باشد.

مقدمه:	۶
فصل اول: ورود به روستا	۸
فصل دوم: خروج از خانه بزرگ و روستا	۲۲
فصل سوم: ماموریت بچه‌ها	۴۱
فصل چهارم: زلزله تهران	۵۳
فصل پنجم: حمله یکی از مهاجمین و جراحت اهالی	۷۲
فصل ششم: استفاده اشتباه از راه مخفی روستا	۸۵
فصل هفتم: در اختیار گرفتن خانه بزرگ توسط مهاجمین	۱۰۰
فصل هشتم: واپسین لحظات	۱۱۸

مقدمه ناشر:

حدود یک ماه پس از پایان نگارش کتاب "نفرین زمین" بطور اتفاقی به شعری از مرحوم فریدون مشیری برخوردیم که حرف دل مشترک من و ایشان بود. هم‌خوانی داستان با شعر به قدری خوشحالم کرد که تصمیم گرفتم تکه‌ای از شعر ایشان را در مقدمه کتاب بیاورم.

زندگی اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارها و ناهنجارها است که جدا کردن آن‌ها از قضاوت سخت‌تر می‌باشد. گاهی مزیتی برای یک جامعه برای جامعه دیگر خفت است. اما چیزی که یک جامعه را در تحقق اهدافش پیروز می‌کند هماهنگی و همکاری جمعیت آن جامعه است.

بحث هدایت جامعه همانقدر مهم است که همدلی و یکپارچگی جمعیت آن اهمیت دارد. همانطور که جمله معروفی می‌گوید: هدایت گله گوسفندان توسط یک شیر بسیار کاراثر از هدایت گله شیران توسط یک گوسفند است.

این کتاب که اکنون مطالعه می‌کنید از حوادث روستایی است که ساکنان و مهمانان آن تابستان‌ها در روستا جمع شده ضمن تفریح و خوشگذرانی آیین‌های نیک اجدادشان را اجرا می‌کنند. این روستا سال‌ها پیش دچار سانحه‌ای شده که در پی آن روش زندگی و حتی معماری روستا را تحت تاثیر خود قرار داده است. خوشبختانه با گذر زمان سالیان

زیادی است که حوادث مشابه گذشته اتفاق نیافتاده و مردم آن در آسایش نسبی زندگی می کنند.

این داستان شروع حوادثی است که با گذشته بسیار متفاوت بوده و در پی یک اتفاق طبیعی وقایعی غیرقابل تصور به بار می آورد.

علی آزادواری

گفت دانایی که گرگی خیره سر	هست پنهان در نهاد هر بشر
هر که گرگش را در اندازد به خاک	رفته رفته می شود انسان پاک
وانکه با گرگش مدارا می کند	خلق و خوی گرگ پیدا می کند
در جوانی جان گرگت را بگیر	وای اگر این گرگ گردد با تو پیر
روز پیری گر که باشی همچو شیر	ناتوانی در مصاف گرگ پیر
مردمان گر یکدگر را می درند	گرگ هاشان رهنما و رهبرند
وان ستمکاران که با هم محرم اند	گرگ هاشان آشنایان همنند
گرگ ها همراه و انسان ها غریب	با که باید گفت این حال عجیب

خلاصه ای از شعر مرحوم فریدون مشیری